

Investigating the Modeling of Marital Intimacy based on Attachment Styles and Thematic Relationships Mediated by Coping Styles

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Shahram Nematzadeh Gatabi ¹,
Shahram Vaziri ^{2*},
Farah Lotfi Kashani ³

How to cite this article

Shahram Nematzadeh Gatabi, Shahram Vaziri, Farah Lotfi Kashani, Investigating the Modeling of Marital Intimacy based on Attachment Styles and Thematic Relationships Mediated by Coping Styles, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2020;4(3):166-177.

1. PhD Student, Department of Psychology and Counseling, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Social Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).
3. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Social Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: shahram.vaziri@gmail.com

Article History

Received: 2020/04/29

Accepted: 2020/08/01

ePublished: 2020/12/20

ABSTRACT

Purpose: Promotes secure attachment, caring behaviors and tolerance with the spouse. These behaviors play a role in increasing marital adjustment and invigorating marital life.

Materials and Methods: The aim of this study was to investigate marital modeling and intimacy based on attachment styles and thematic relationships mediated by coping styles. The research method of this study is descriptive-survey-correlation; The statistical population of this study included students studying and married in Islamic Azad universities of Tehran province who had been married for at least 2 years. Using Cochran's formula, 385 people were selected by convenience sampling method and were assigned to Thompson and Walker Intimacy Questionnaire (OMEIS-2), Collins and Reed Attachment Style Questionnaire (RAAS), Bell Thematic Relationship Questionnaire (BORRTI) and Coping Style Questionnaire. Lazarus (1988) answered and correlation test, regression analysis and structural equation modeling were used. EMOS software and version 26 of SPSS software were used for statistical tests.

Findings: The results showed that according to Baron-Kenny algorithm, since the path of coping styles to marital intimacy is significant, it can be concluded that coping styles have a partial mediating role. The whole model explains 2.2% of marital intimacy. Problem-oriented coping 2.4% and emotion-oriented coping 4.5% explain marital intimacy. Marriage based on thematic relationships showed that the fit indices of the indirect effects model are better than other models. The Acaic Index (AIC) also shows that the indirect effects model is almost more economical than other models.

Conclusion: The results of the study showed that the model of marital intimacy based on attachment styles and thematic relationships is mediated by appropriate styles of coping styles.

Keywords: Marital Intimacy, Attachment Styles, Thematic Relationships, Coping Styles

بررسی مدل یابی صمیمیت زناشویی براساس

سبک‌های دلبستگی و روابط موضوعی با میانجی‌گیری

سبک‌های مقابله‌ای

شهرام نعمت‌زاده گنابی^۱

دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی و مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

شهرام وزیری^{۲*}

دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

فرح لطفی کاشانی^۳

دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: دلبستگی ایمن، رفتارهای مراقبتی و مدارا با همسر ارتقا می‌دهد. این رفتارها در افزایش سازگاری زناشویی و نشاط بخشی به زندگی زناشویی نقش دارد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با هدف بررسی مدل‌یابی و صمیمیت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و روابط موضوعی با میانجی‌گیری سبک‌های مقابله‌ای انجام شد. روش تحقیق این مطالعه از نوع توصیفی-پیمایشی-همبستگی است؛ جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان در حال تحصیل و متأهل دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران بودند که حداقل ۲ سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود. و با استفاده از فرمول کوکران برابر ۳۸۵ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های صمیمیت زناشویی تامپسون و واکر (OMEIS-2)، پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید (RAAS)، پرسشنامه روابط موضوعی بل (BORRTI) و پرسشنامه سبک مقابله‌ای لازاروس (۱۹۸۸) پاسخ دادند و از آزمون همبستگی، تحلیل رگرسیون و مدل‌سازی به روش معادلات ساختاری استفاده شد. جهت انجام آزمون‌های آماری از نرم‌افزار EMOS و نسخه ۲۶ نرم‌افزار SPSS استفاده گردید.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد طبق الگوریتم بارون-کنی، از آنجا که مسیر سبک‌های مقابله به صمیمیت زناشویی معنی‌دار است، می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های مقابله نقش میانجی‌گری جزئی دارند. کل مدل ۲/۲ درصد صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کنند. مقابله مساله مدار ۲/۴ درصد و مقابله هیجان مدار ۴/۵ درصد صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کنند. شاخص آکائیک (AIC) نیز نشان می‌دهد که مدل اثرات غیر مستقیم تقریباً مقتصدتر از مدل‌های دیگر است و شاخص‌های برازش مدل تحلیل مسیر پیش‌بینی صمیمیت زناشویی براساس روابط موضوعی نشان داد که شاخص‌های برازش مدل اثرات غیرمستقیم بهتر از مدل‌های دیگر است. شاخص آکائیک (AIC) نیز نشان می‌دهد که مدل اثرات غیرمستقیم تقریباً مقتصدتر از مدل‌های دیگر است.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از پژوهش نشان داد، مدل صمیمیت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و روابط موضوعی با میانجی‌گیری سبک‌های مقابله‌ای دارای برازش مناسب است.

کلید واژه‌ها: صمیمیت زناشویی، سبک‌های دلبستگی، روابط موضوعی، سبک‌های مقابله‌ای

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱

*نویسنده مسئول: shahram.vaziri@gmail.com

مقدمه

نیاز به برقراری رابطه‌ای پایدار و صمیمی و توأم با عشق از مهمترین دلایلی است که زن و مرد را به سمت انتخاب و ازدواج سوق می‌دهد. ایجاد و دوام رابطه صمیمانه توسط پیوندهای هیجانی خاصی تقویت می‌شود. صمیمیت، احساس نزدیکی، تشابه و رابطه شخصی عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر است و مستلزم شناخت و درک عمیق فرد دیگر به منظور بیان افکار و احساساتی است که به عنوان منبع تشابه و نزدیکی به کار می‌رود. داشتن روابط صمیمانه در زندگی زناشویی و خانوادگی افراد مهمترین چالش عاطفی در زندگی آنهاست (۱) فردی که میزان صمیمیت بالاتری در روابط تجربه می‌کند، قادر است خود را به شیوه مطلوب‌تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به شریک و همسر خود ابراز نماید (۲).

صمیمیت، به صورت الگوی رفتاری بسیار مهمی مفهوم‌سازی شده است و دارای جنبه‌های عاطفی-هیجانی و اجتماعی نیرومندی است که بر پایه پذیرش، رضایت خاطر و عشق شکل می‌گیرد. با از دست رفتن صمیمیت یکی از حلقه‌های پیوند زناشویی از بین می‌رود. صمیمیت تنها یک تمایل یا آرزو نیست، بلکه یک نیاز اساسی و واقعی بوده و مفهوم وسیعی دارد که شامل خودآشنایی، رابطه و رضایت جنسی، نزدیکی هیجانی، بدنی و عقلی است (۳). که با ارتباط سازنده می‌توان صمیمیت را افزایش داد و این مساله نشان دهنده این است که نقش ارتباط مؤثر در پویایی و سلامت زوجین و تعالی خانواده بدیهی و انکارناپذیر است. نوع تعاملات زوجین در محیط زندگی با کیفیت احساس خوشبختی آنها رابطه مستقیم دارد، به طوریکه، ارتباط غیر اثربخش نیز می‌تواند پیوندها را تضعیف کرده، بی‌اعتمادی و نفرت را به وجود آورد.

رابطه زناشویی یک رابطه پایدار و صمیمی و منبع حمایت و لذت افراد است. رضایت از رابطه زناشویی موجب احساس شاد بودن و ایجاد صمیمیت در زوجین می‌شود. خانواده که هسته اصلی جامعه می‌باشد با برقراری رابطه زناشویی موفق است (۴). یکی از متغیرهای موثر بر رضایت در زندگی، سبک‌های مقابله‌ای است که زوجین برای رویارویی با فشارهای روانی محیط زندگی خود به کار می‌گیرند. گزارش برخی از محققان مبنی بر اهمیت استفاده از سبک‌های مقابله‌ای در کاهش مشکلات زناشویی این مسئله را درخور توجه نموده است. سبک‌های مقابله‌ای تغییرات دائمی شناخت و تلاش‌های رفتاری جهت مدیریت نیازهای بیرونی و درونی خاصی است که به دشواری و با تلاش‌های شخصی زیاد به دست می‌آیند (۵).

در ازدواج‌های موفق در تفاوت با مفهوم ارایه شده از طلاق عاطفی، تبادل و ارضای متقابل نیازهای صمیمیت زوجین در حد قابل قبول و انتظار موجب تحکیم روابط محبت آمیز بین آنها می‌شود، تا آنجا که می‌توان گفت یکی از اصول در ازدواج‌های موفق، ایجاد صمیمیت زوجین است (۶). به طور کلی در روابط زناشویی، به صورت الگوی

باورهای فرد راجع به خود و محیط پیرامونش گره خورده اند و می‌توانند مثبت، منفی، سازگار یا ناسازگار باشند. روابط موضوعی، الگوهای هیجانی و شناختی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل گرفته‌اند و در سیر زندگی تکرار می‌شوند. ریشه تحولی روابط موضوعی در تجارب دوران کودکی نهفته است. سه عامل موثر در شکل‌گیری آنها بر اساس نظر یانگ^۵ وجود دارد (۱۴). در واقع روابط موضوعی باعث تحریف و سوء برداشت از وقایع می‌شوند. پژوهش‌ها نشان داده است که بین روابط موضوعی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه و اختلالات رفتاری رابطه معناداری وجود دارد.

روابط موضوعی بر کنترل عواطف زوج تاثیر زیادی دارد روابط موضوعی به الگویی اشاره دارد که فرد به طور ناخودآگاه در روابط خود به کار می‌گیرد. رابطه ی زناشویی، عرصه‌ای مهم است که به دلیل ماهیت پیچیده خود، الگوی روابط موضوعی فرد را فعال می‌کند. این الگو در دوران کودکی در ارتباط با مراقبان اولیه شکل می‌گیرد و به مرور پیچیده‌تر می‌شود (۱۵).

روابط موضوعی، آسیب‌شناسی روانی فرد را تا حد زیادی توجیه می‌کند اصطلاح موضوع هم به شخص در دنیای واقعی و هم به تصویر درونی شده آن شخص اشاره دارد. تعارض‌های اولیه فرد با موضوع های اولیه در دوران کودکی همراه با خلق حاکم در این رابطه درونی شده و بعدها در ارتباط با افراد جدید تکرار می‌شود.

بالبی با توجه به آگاهی خود در زمینه کردارشناسی و نظریه تکامل، دریافت که نظریه روابط موضوعی را می‌توان با دیدگاه تکاملی ادغام نموده و نظریه دلبستگی را طرح کرد. بالبی قاطعانه معتقد بود دلبستگی‌هایی که در کودکی شکل می‌گیرند؛ تاثیر مهمی بر بزرگسالی دارند. نظریه دلبستگی از مشاهدات بالبی در این باره سرچشمه گرفت که بچه‌ها وقتی از مراقبت کننده اصلی خود جدا می‌شوند، یک رشته واکنش‌های واضح نشان می‌دهند. بالبی سه مرحله این اضطراب جدایی را مورد مشاهده قرار داد. کودکان ابتدا که مراقبت کننده آن‌ها دور از دید قرار دارد، گریه می‌کنند، در برابر آرام شدن توسط دیگران مقاومت به خرج می‌دهند و مراقبت کننده خود را جستجو می‌کنند (۱۶).

دلبستگی ایمن، رفتارهای مراقبتی و مدارا با همسر را ارتقا می‌دهد. این رفتارها در افزایش سازگاری زناشویی و نشاط بخشی به زندگی زناشویی نقش دارد (۱۷). از جمله می‌توان آن را به صمیمیت زناشویی به سبک‌های دلبستگی، روابط موضوعی و سبک‌های مقابله‌ای مرتبط دانست، با توجه به فراگیر شدن طلاق عاطفی و هیجانی و مشکلات زوجین و با توجه به اینکه به عنوان یک معضل اجتماعی سلامت خانواده، فرد و همچنین سلامت جامعه را تهدید می‌نماید، این ضرورت احساس شد تا تحقیقی در این زمینه و با عنوان رابطه سبک‌های دلبستگی، روابط موضوعی و سبک‌های مقابله‌ای در صمیمیت زناشویی در زوجین انجام پذیرد؛ تا بتوان از نتایج آن در جهت شناخت عوامل مرتبط با صمیمیت زناشویی استفاده نموده و

رفتاری بسیار مهمی مفهوم سازی شده است که جنبه‌های عاطفی-هیجانی و اجتماعی نیرومندی دارد و بر پایه پذیرش، رضایت خاطر و عشق شکل می‌گیرد (۶).

سبک‌های مقابله‌ای در واقع عبارت از تلاش‌های فکری، هیجانی و رفتاری فرد است و هنگام رو به رو شدن با فشارهای روانی به منظور غلبه کردن، تحمل کردن یا به حداقل رساندن عوارض استرس به کار گرفته می‌شوند. لذا؛ آنچه با عنوان مهارت‌های مقابله‌ای مطرح می‌شود، روش‌های برخورد با مسائل است (۸).

با توجه به ارتباطی که در ادبیات بین الگوهای ارتباطی، صمیمیت، سبک‌های دلبستگی وجود دارد، در واقع، اعمال هرگونه بد رفتاری در بزرگسالی مانند بد رفتاری جسمانی، عاطفی، جنسی، غفلت ورزیدن و خشونت خانگی (۹) می‌تواند موجب بروز تبعات و آسیب‌های روانی در زندگی مشترک شود. بسیاری از این رفتارها در واقع نشانگر بد رفتاری در کودکی می‌باشد. در پی آن سبک دلبستگی و روابط موضوعی از فرآیندهای رشدی اولیه‌ای هستند که می‌توانند متاثر از بد رفتاری با کودکان باشند (۱۰). متغیر روانشناختی تاثیر گذار دیگر در عدم صمیمیت بزرگسالی وجود دارد، سبک دلبستگی است. سه سبک مهم دلبستگی براساس نتایج آزمایشات اینزورث^۱ شامل دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی (اضطرابی-اجتنابی) و سبک دلبستگی دوسوگرا (اضطرابی-دوسوگرا) می‌باشد.

شلدون، کلر و وست^۲ دلبستگی بزرگسالان را به عنوان روابط دویه دویی می‌دانند که در کنار یک شخص ویژه دست یافتن به احساس ایمنی را در پی دارد (۱۱). براساس نظرات هازین^۳ و شاور^۴ بزرگسالان ایمن از اعتماد به نفس، مهارت‌های اجتماعی و توانایی برقراری روابط عاطفی و صمیمی به نسبت پایدار و رضایت بخش برخوردارند (۱۲). بزرگسالان اجتنابی ممکن است علاقمند به برقراری روابط عاطفی و صمیمی باشند اما در هر حال از این نوع روابط ناراضی هستند و تمایلی به برقراری روابط صمیمی و دراز مدت ندارند. عدم اعتماد به خود و دیگران از ویژگی‌های اصلی افراد ناایمن می‌باشد. نداشتن اعتماد به خود، توان رویارویی با موقعیت‌های تنش‌زا را کاهش می‌دهد و درماندگی روان‌شناختی را بر فرد ناایمن تحمیل می‌کند. دلبستگی ایمن، یک منبع درونی است که سلامت روان شناختی را در طول دوره‌های تنش حفظ می‌کند، در حالی که نبود منبع ایمن، مشکلات عاطفی را در پی دارد (۱۳). این امر می‌تواند متاثر از عدم عزت نفس کافی در این افراد و ناشی از بد رفتاری با آنان در دوران کودکی باشد. از جمله متغیرهای دیگر که می‌تواند با الگوهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در ارتباط باشد، روابط موضوعی می‌باشد.

روابط موضوعی بازنمایی انتزاعی خصوصیات متمایز کننده یک واقعه است. به عبارت دیگر، طرح کلی از عناصر برجسته یک واقعه را روابط موضوعی می‌گویند. بسیاری از روابط در اوایل زندگی شکل می‌گیرند، به حرکت خود ادامه می‌دهند و خودشان را به تجارب بعدی زندگی تحمیل می‌کنند، روابط موضوعی عمیقا با

4. Shaver

5. Young

1. Ainsworth

2. Sheldon- Keller, West

3. Hazan

که روابط اولیه مادر با کودک سبک دلبستگی را شکل می‌دهد و این سبک دلبستگی در تمام طول زندگی اثرات خود را نشان می‌دهد. چهار نوع سبک دلبستگی وجود دارد که عبارتند از: سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی آشفته، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دوسوگرا.

کولینز و رید در سال ۱۹۹۰ بر اساس نظریه هازان و شاور^۴ پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید (RAAS) را تهیه کردند. این پرسشنامه در ابتدا دارای ۲۱ ماده بین ۰ تا ۵ بود که در سال ۱۹۹۶ به ۱۸ آیتیم کاهش یافت. کولینز و رید پایایی این پرسشنامه را بالای ۰/۸۰ بدست آوردند. همچنین پاکدامن در سال ۱۳۸۰ با استفاده از روش آزمون مجدد نشان دادند که این آزمون در سطح ۰/۹۵ قابل اعتماد است (۲۱).

۳. پرسشنامه روابط موضوعی بل^۵ پرسشنامه روابط موضوعی بل بخشی از پرسشنامه ۹۰ گزینه ای روابط موضوعی و واقعیت سنجی بل (BORRTI) است. پرسشنامه روابط موضوعی بل هم برای جمعیت بالینی و هم غیربالینی استاندارد شده است و در پژوهش‌های بسیاری در حوزه روابط بین فردی و در تشخیص و پیش‌بینی آسیب‌های روانی به کار رفته است. مقیاس روابط موضوعی بل (BORRTI) در سنجش کار کرد ایگو (کیفیت روابط موضوعی و واقعیت آزمایی) ریشه دارد که پیشتر توسط بلک^۶ و همکاران شکل گرفته بود. آزمون روابط موضوعی بل در اصل برای اندازه گیری اثرات بالینی درمان روانکاو دراز مدت برای اسکیزوفرنیا طراحی شد، اما در بسیاری از زمینه‌های پژوهشی در آسیب شناسی روانی و رفتار بهنجار کاربرد یافته است. تبیین‌های نظری و بالینی که دیدگاه روابط موضوعی را به کار برده اند، فرضیه‌های روشن و مهمی برای موقعیت‌های مختلف آسیب شناختی (مانند اسکیزوفرنیا، افسردگی، خودشیفتگی و اختلال شخصیت مرزی) فراهم کرده- اند. پرسشنامه روابط موضوعی بل BORRTI دارای ۴۵ ماده است که به صورت صحیح و غلط به آن پاسخ داده می‌شود و از طریق چهار خرده مقیاس، ارزیابی دقیق و معتبری از روابط موضوعی ارائه می‌دهد. این خرده مقیاس‌ها عبارتند از: بیگانگی، دلبستگی نالین، خودمیان بینی، بی‌کفایتی اجتماعی. نحوه پاسخ‌گویی به پرسشنامه روابط موضوعی بل به این صورت است که بر مبنای راهنمای ارائه شده، آزمودنی برای هر یک از سوالات، پاسخ صحیح یا غلط را انتخاب می‌کند؛ و برحسب کلید پرسشنامه، گزینه صحیح نمره یک می‌گیرد و برای برخی دیگر گزینه غلط نمره یک می‌گیرد. جمع نمرات سوالات مربوط به هر خرده مقیاس نمره رد را در هر یک از آن‌ها مشخص می‌سازد.

بل و همکاران درباره پایایی و روایی پرسشنامه روابط موضوعی بل گزارش نمودند که این ابزار از این جهت که قادر به تفکیک جمعیت بالینی می‌باشد، از درجه بالایی از اعتبار تفکیکی برخوردار می‌باشد و همچنین از لحاظ همبستگی بالای آن با دیگر ابزارهای سنجش آسیب- پذیری روانی، اعتبار همزمان قابل قبولی را برای آن برآورد نموده اند. در پژوهشی دیگر با استفاده از پرسشنامه روابط موضوعی بل، اختلال شخصیت مرزی را از نظر الگوهای مخرب روابط موضوعی، از دیگر گروه‌ها که شامل بیماران مبتلا به اختلالات خلقی و اسکیزوفرنیا بود،

توانیم با تبیین صمیمیت زناشویی، زوجین براساس سبک‌های مقابله‌ای در صمیمیت زناشویی تا حد زیادی علل این اختلال را بررسی کرده و در راستای درمان این اختلالات قدمی برداریم. با توجه به ارتباطی که در ادبیات بین صمیمیت زناشویی، سبک‌های دلبستگی، روابط موضوعی و سبک‌های مقابله‌ای مشاهده می‌شود، هدف این پژوهش، مدلیابی صمیمیت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و روابط موضوعی با میانجیگری سبک‌های مقابله‌ای در میان دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران بود.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق این مطالعه از نوع توصیفی- پیمایشی- همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان در حال تحصیل و متأهل دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران بودند که حداقل ۲ سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود که با استفاده از فرمول کوکران برابر ۳۸۵ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به ابزارهای پژوهش پاسخ دادند.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه صمیمیت زناشویی تامپسون و واکر (OMEIS-2): مقیاس صمیمیت توسط واکر و تامپسون در سال ۱۹۸۳ تهیه شده است. این پرسشنامه یک ابزار ۱۷ سوالی است که برای سنجیدن مهر و صمیمیت تدوین شده است. این مقیاس جزئی از یک ابزار بزرگ‌تر است که چندین بعد صمیمیت را در بر می‌گیرد اما توسط تهیه کنندگان آن (الکسیس جی. واکر و لیندا تامپسون^۱) به صورت مقیاس مستقلی گزارش شده است که به صورت لیکرت ۵ درجه‌ای است. میزان همبستگی این پرسشنامه با مقیاس کیفیت روابط زناشویی اسپنیر (RDAS^۲) در پژوهش الکسیس، واکر و لیندا تامپسون ۰/۷۱ به دست آمده است و نتایج تحلیل عاملی تأییدی (CFA) ساختار تک عاملی آن را با شاخص‌های برازش عالی برای جامعه ایرانی تایید نموده است.

ثانی ضریب پایایی این پرسشنامه را براساس داده‌های ۱۰۰ زوج در اصفهان ۹۶٪ بدست آورده است (۱۸). مقیاس صمیمیت با ضریب آلفای ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ از همسانی درونی بسیار عالی برخوردار است (۱۹). اطلاعاتی درباره‌ی ثبات آزمون گزارش نشده است. از طریق اجرای همزمان این پرسشنامه با مقیاس صمیمیت زناشویی ضریب همبستگی دو پرسشنامه محاسبه شد. ضریب همبستگی محاسبه شده ۵۸٪ بدست آمد که نشان دهنده اعتبار این مقیاس است (۱۹). نتیجه بدست آمده از پژوهش نادری مقدم بیانگر این است که بین صمیمیت زوجین و مدت ازدواج همبستگی معناداری با جهت مثبت وجود دارد $r = 0/648$ که این رابطه در سطح ۰/۰۱ معنادار است. در استفاده از روش بازآزمایی و اجرای پرسشنامه روی ۳۰ نفر از دانشجویان با فاصله زمانی سه هفته ضریب همبستگی بدست آمده برابر است با ۰/۹۵. ضریب آلفای بدست آمده ۰/۹۴ بود که بیانگر همسانی درونی خوب این مقیاس است (۲۰).

۲. پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید (RAAS)^۳: نظریه سبک‌های دلبستگی توسط جان بالی مطرح شد. این نظریه بیان می‌دارد

4 Hazan & Shaver

5 BORRTI

6. Belack

1. Alexs G. Walker and Linda Thompson

2. Revised Dyadic Adjustment Scale

3 Revised adult attachment scale

سوالات می‌باشد که عبارتند از: جستجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت-پذیری، حل‌مدبرانه مساله، ارزیابی مجدد مثبت، مقابله رویاروگر، دوری جویی، خویشترداری (خود مهارگری) و گزیده-اجتناب. در این مطالعه از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش توصیفی، خلاصه‌ای از متغیرهای تحقیق در قالب جدول و نمودار ارائه گردید. در بخش استنباطی آزمون‌های آماری انجام شد. با توجه به ماهیت موضوع، در این مطالعه از آزمون همبستگی، تحلیل رگرسیون و مدلسازی به روش معادلات ساختاری استفاده شد. جهت انجام آزمون‌های آماری از نرم‌افزار AMOS و SPSS نسخه ۲۶ استفاده گردید.

یافته‌ها

فصل حاضر از دو بخش تشکیل شده است. ابتدا تحلیل مقدماتی متغیرهای سبک‌های دل‌بستگی، سبک‌های مقابله، روابط موضوعی، صمیمیت زناشویی و الگوهای ارتباطی با استفاده از شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و بعد آماده‌سازی و غربال کردن داده‌ها بررسی شدند. در این مرحله مفروضه‌های اصلی مدل-یابی تحلیل مسیر شامل مقادیر گم شده، نرمال بودن، خطی بودن، همخطی بودن مورد بررسی قرار گرفت. در بخش دوم مدل‌های اندازه‌گیری و مدل‌یابی معادلات ساختاری همزمان انجام شدند. آن‌جا که این آزمون‌ها در پژوهش‌های متعدد روانی و پایدانی مناسبی را نشان داده‌اند و از طرف دیگر به منظور محاسبه اثرات دو به دوی مستقیم و جزئی متغیرها، برای مدل‌یابی از روش تحلیل مسیر با متغیرهای مشاهده شده استفاده شد. اثرات میانجیگری سبک‌های مقابله به تفکیک سبک مقابله هیجان‌مدار و مساله‌مدار به طور جداگانه انجام و از طریق الگوریتم بارون - کنی آزمون شدند. محاسبات با استفاده از نرم‌افزار AMOS و SPSS نسخه ۲۶ انجام شدند.

تمایز کردند. بررسی مقدماتی روایی و پایایی پرسشنامه روابط موضوعی بل توسط هادی نژاد و همکاران صورت گرفته است. آن‌ها ضریب آلفای کرونباخ را برای بی‌کفایتی اجتماعی، خودمحوری، دل‌بستگی ناایمن و بیگانگی به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۴، ۰/۷۴ و ۰/۸۵ گزارش کردند. همچنین همبستگی بین سیاهه ۹۰ سوالی علائم فرم بازنگری شده SCL-90-R و خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه بین ۰/۳۱ تا ۰/۶۸ بود.

۴. پرسشنامه سبک مقابله‌ای لازاروس (۱۹۸۸): جهت بررسی راهبردهای مقابله از پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکنمن استفاده شد که ۶۶ سوال دارد. و هشت راهبرد مقابله‌ای را می‌سنجد. این الگوهای هشتمگانه به دو دسته، روش‌های مسئله‌مدار (جستجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، حل‌مدبرانه مسئله و ارزیابی مجدد مثبت) و هیجان‌مدار (مقابله رویاروگر، دوری جویی، خویشترداری و گریز-اجتناب) تقسیم شده‌اند. این پرسشنامه دارای مقیاس چهارگزینه‌ای لیکرت است که گزینه «به کار نبرده‌ام» با عدد ۰، و گزینه «تا حدودی به کار برده‌ام» را با عدد ۱ و گزینه «بیشتر مواقع به کار برده‌ام» را با عدد ۲ و گزینه «زیاد به کار برده‌ام» را با عدد ۳ نمره‌گذاری می‌کنند.

نمره‌گذاری این پرسشنامه به دو روش خام و نسبی صورت می‌گیرد. نمرات خام توصیف کننده تلاش مقابله‌ای برای هر یک از هشت نوع مقابله است و مجموع پاسخ‌های آزمودنی به مواد تشکیل دهنده مقیاس می‌باشد. نمرات نسبی، نسبت تلاشی که در هر نوع مقابله صورت گرفته را توصیف می‌کند. فولکنمن و لازاروس در یک تحقیق پایایی به روش همسانی درونی ۰/۷۵، پایایی خرده‌مقیاس‌های آن را از ۰/۶۱ برای روش مقابله دوری جویی تا ۰/۷۹ برای ارزیابی مجدد مثبت گزارش کرده‌اند. آقاییوسفی (۲۲)، در یک تحقیق پایایی این پرسشنامه را با روش همسانی درونی، آلفای کرونباخ ۰/۸۰ گزارش کرده است. این پرسشنامه شامل ۶۶ ماده بوده و ۸ مقیاس مقابله‌ای را می‌سنجد. هر مقیاس شامل مجموعه‌ای از

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی نمرات گروه در متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	K-S	S-W	کجی	کشیدگی
مساله مدار	۵۶/۶۶	۶/۹۸۷	۰/۰۵۲**	۰/۹۸۶**	۰/۲۳۱	۰/۶۶۵
هیجان مدار	۶۶/۶۷	۶/۷۲۰	۰/۰۴۷**	۰/۹۹۵**	۰/۰۸۸	۰/۳۹۴
صمیمیت زناشویی	۶۲/۱۹	۷/۰۴۱	۰/۰۴۰	۰/۹۹۷	۰/۰۱۰	۰/۱۲۰
دل‌بستگی ناایمن	۷/۸۰	۱/۴۸۵	۰/۱۶۹**	۰/۹۵۰**	۰/۳۶۷	۰/۱۸۵
بیگانگی	۷/۸۰	۱/۴۷۷	۰/۱۴۰**	۰/۹۵۶**	۰/۲۰۲	۰/۲۱۸
بی‌کفایتی اجتماعی	۶/۹۶	۱/۶۰۴	۰/۱۴۰**	۰/۹۵۷**	۰/۲۶۴	۰/۳۸۵
خود محوری	۱۳/۹۵	۱/۵۴۸	۰/۱۵۱**	۰/۹۵۶**	۰/۳۰۹	۰/۱۵۱
دوسوگرا	۱۹/۵۸	۳/۶۵۶	۰/۰۶۴**	۰/۹۸۶**	۰/۲۲۹	۰/۲۱۴
اجتنابی	۱۹/۶۸	۳/۳۹۲	۰/۰۶۸**	۰/۹۸۸**	۰/۰۱۹	۰/۴۴۴
ایمن	۱۹/۹۷	۳/۱۹۱	۰/۰۸۹**	۰/۹۸۹**	۰/۱۶۳	۰/۰۷۴

بعد دل‌بستگی ناایمن روابط موضوعی ۷/۸۰ و ۱/۴۷۷؛ در بیگانگی ۷/۸۰ و ۱/۴۷۷؛ در بی‌کفایتی اجتماعی ۶/۹۶ و ۱/۶۰۴ و در خود محوری ۱۳/۹۵ و ۱/۵۴۸ است. در بعد دو دل‌بستگی دوسوگرا

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی نمرات گروه در متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. میانگین و انحراف معیار نمرات گروه در مقابله مساله مدار به ترتیب برابر با ۵۶/۶۶ و ۶/۹۸۷؛ در مقابله هیجان‌مدار ۶۶/۶۷ و ۶/۷۲۰؛ در صمیمیت زناشویی کل ۶۲/۱۹ و ۷/۰۴۱؛ در

۱۹/۵۸ و ۳/۶۵۶؛ در بعد اجتنابی ۱۹/۶۸ و ۳/۳۹۲ و در بعد ایمن ۱۹/۹۷ و ۳/۱۹۱ است.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل تحلیل مسیر پیش‌بینی صمیمیت زناشویی بر اساس سبک‌های دل‌بستگی

AIC	RMSEA	NFI	CFI	GFI	X ² /df	شاخص‌های برازش
۵۵/۴۷۳	۰/۰۸۳	۰/۲۷۷	۰/۳۲۱	۰/۹۷۱	۳/۴۹۷	مدل اثرات کل
۴۴/۳۱۸	۰/۰۹۶	۰/۹۰۱	۰/۸۸۴	۰/۹۹۶	۴/۳۱۸	مدل اثرات میانجی
۴۴/۴۷۰	۰/۰۶۷	۰/۷۶۰	۰/۷۷۳	۰/۹۹۱	۲/۶۱۷	مدل اثرات غیرمستقیم

شاخص‌های برازش مدل اثرات میانجی بهتر از مدل‌های دیگر است. شاخص آکائیک (AIC) نیز نشان می‌دهد که مدل اثرات میانجی تقریباً کمتر از مدل‌های دیگر است.

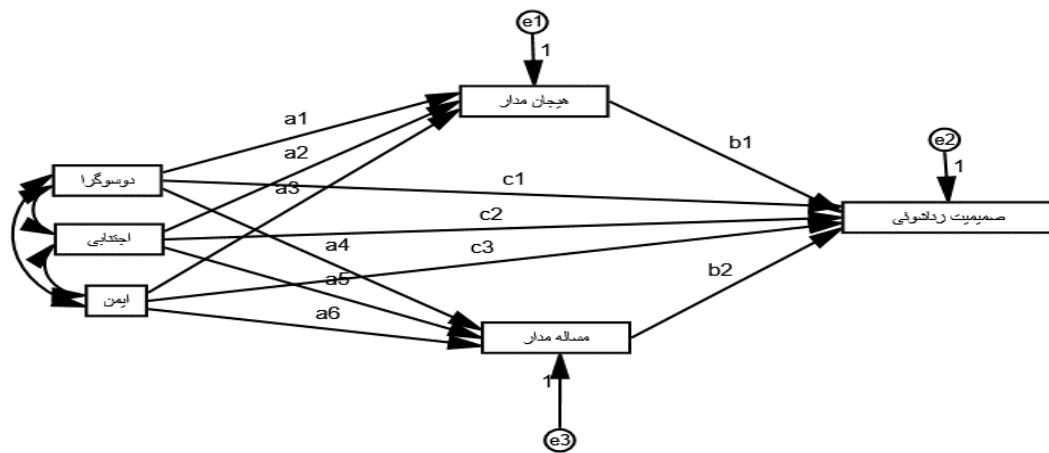
جدول ۳. ضرایب تحلیل مسیر ارتباط سبک‌های دل‌بستگی از طریق سبک‌های مقابله‌ای با صمیمیت زناشویی

C.R	S. E	B	b	متغیرها
**۳/۰۹۱	۰/۰۹۶	۰/۱۶۹	۰/۳۱۲	دل‌بستگی دوسوگرا ← هیجان مدار
۰/۷۸۷	۰/۱۰۰	۰/۰۴۱	۰/۰۷۹	دل‌بستگی اجتنابی ← هیجان مدار
**۲/۷۲۶	۰/۱۱۲	-۰/۱۴۱	-۰/۳۰۶	دل‌بستگی ایمن ← هیجان مدار
-۱/۱۸۲	۰/۱۱۴	-۰/۰۶۷	-۰/۱۴۶	دل‌بستگی ایمن ← مساله مدار
۰/۸۳۹	۰/۱۰۲	-۰/۰۱۱	-۰/۰۲۱	دل‌بستگی اجتنابی ← مساله مدار
**۲/۸۲۴	۰/۰۹۷	۰/۱۴۸	۰/۲۷۴	دل‌بستگی دوسوگرا ← مساله مدار
۰/۶۱۷	۰/۰۵۴	۰/۰۳۳	۰/۰۳۳	هیجان مدار ← صمیمیت زناشویی
-۱/۲۳۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۵	-۰/۰۶۵	مساله مدار ← صمیمیت زناشویی
۰/۰۹۱	۰/۱۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۹	دل‌بستگی دوسوگرا ← صمیمیت زناشویی
-۱/۰۶۶	۰/۱۱۶	-۰/۰۵۷	-۰/۱۲۴	دل‌بستگی اجتنابی ← صمیمیت زناشویی
**۲/۱۸۹	۰/۱۰۳	۰/۱۱۴	۰/۲۲۵	دل‌بستگی ایمن ← صمیمیت زناشویی

کل مدل ۲/۲ درصد صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کنند. مقابله مساله مدار ۲/۴ درصد و مقابله هیجان مدار ۴/۵ درصد صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کنند.

پس از بررسی پیش فرض‌ها و کنترل نمرات افراطی، مدل زیر برای آزمون تحلیل مسیر شرح زیر مورد بررسی قرار گرفت:

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که دل‌بستگی دوسوگرا و ایمن رابطه معنی‌داری با مقابله هیجان مدار سبک دل‌بستگی ایمن رابطه مستقیم معنی‌داری با سبک مقابله مساله مدار دارند. دل‌بستگی ایمن رابطه معنی‌داری با صمیمیت زناشویی دارد. طبق الگوریتم بارون-کنی، از آن‌جا که مسیر سبک‌های مقابله به صمیمیت زناشویی معنی‌دار است، می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های مقابله نقش میانجیگری جزئی دارند.



شکل ۱. مدل مسیر پیش‌بینی صمیمیت زناشویی براساس سبک‌های دل‌بستگی

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل تحلیل مسیر پیش‌بینی صمیمیت زناشویی براساس روابط موضوعی

AIC	RMSEA	NFI	CFI	GFI	X ² /df	شاخص‌های برازش
۶۰/۹۰۶	۰/۰۶۳	۰/۸۴۲	۰/۸۹۳	۰/۹۸۱	۲/۴۴۴۶	مدل اثرات کل
۶۱/۹۹۱	۰/۱۳۹	۰/۹۵۳	۰/۹۵۳	۰/۹۹۴	۷/۹۹۹	مدل اثرات میانجی
۵۸/۳۰۹	۰/۰۶۴	۰/۹۲۸	۰/۹۵۱	۰/۹۹۰	۲/۴۶۲	مدل اثرات غیرمستقیم

جدول ۴ نشان می‌دهد که شاخص‌های برازش مدل اثرات غیرمستقیم بهتر از مدل‌های دیگر است. شاخص آکائیک (AIC) نیز نشان می‌دهد که مدل اثرات غیرمستقیم تقریباً مقتصدتر از مدل‌های دیگر است.

جدول ۵: نتایج تحلیل مسیر ارتباط مستقیم روابط موضوعی با الگوی ارتباطی سازنده متقابل

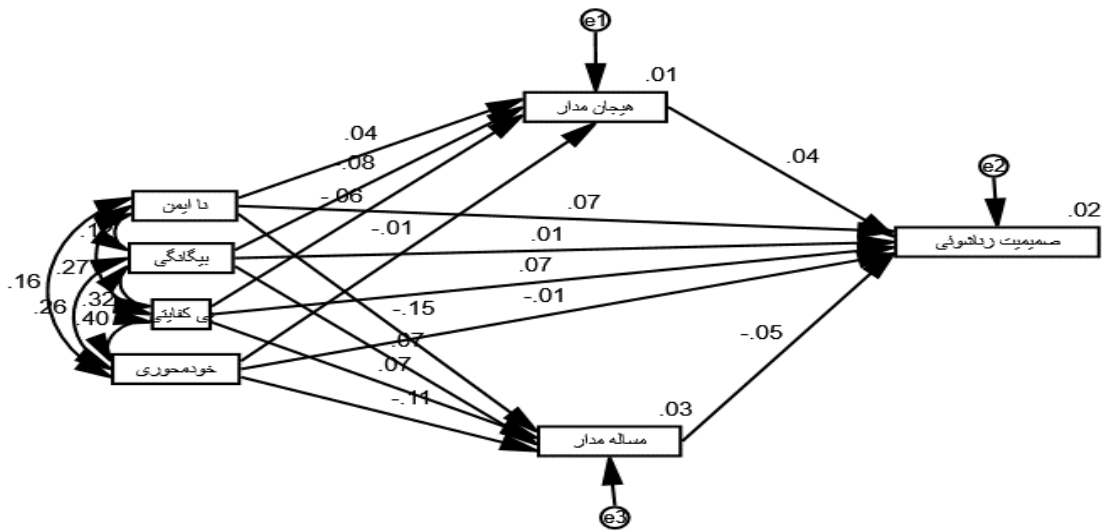
C.R	S. E	B	b	متغیرها
۰/۶۶۴	۰/۲۴۵	۰/۰۳۶	۰/۱۶۳	دل‌بستگی ناایمن ← هیجان مدار
-۱/۴۹۴	۰/۲۵۴	-۰/۰۸۳	-۰/۳۵۷	بیگانگی ← هیجان مدار
-۰/۸۹۴	۰/۲۴۶	-۰/۰۵۶	-۰/۲۳۶	بی‌کفایتی اجتماعی ← هیجان مدار
-۰/۱۱۸	۰/۲۵۲	-۰/۰۰۷	-۰/۰۳۰	خودمحوری ← هیجان مدار
**۲/۸۵۸	۰/۲۴۴	-۰/۱۵۴	-۰/۶۹۷	دل‌بستگی ناایمن ← مساله مدار
۱/۱۹۳	۰/۲۵۲	۰/۰۶۶	۰/۳۰۱	بیگانگی ← مساله مدار
۱/۲۰۶	۰/۲۵۰	۰/۰۷۲	۰/۳۰۱	بی‌کفایتی اجتماعی ← مساله مدار
*۱/۸۶۶	۰/۲۵۱	-۰/۱۰۷	-۰/۴۶۸	خودمحوری ← مساله مدار
۱/۲۲۷	۰/۲۵۱	۰/۰۶۷	۰/۳۰۸	دل‌بستگی ناایمن ← صمیمیت زناشویی
۰/۲۲۷	۰/۲۵۸	۰/۰۱۳	۰/۰۵۹	بیگانگی ← صمیمیت زناشویی
۱/۱۱۵	۰/۲۵۵	۰/۰۶۷	۰/۲۸۴	بی‌کفایتی اجتماعی ← صمیمیت زناشویی
-۰/۱۰۸	۰/۲۵۶	-۰/۰۰۶	-۰/۰۲۸	خودمحوری ← صمیمیت زناشویی
۰/۷۵۳	۰/۰۵۳	۰/۰۴۰	۰/۰۴۰	هیجان مدار ← صمیمیت زناشویی
**۲/۸۵۱	۰/۰۵۴	۰/۰۷۳	۰/۱۵۴	مساله مدار ← صمیمیت زناشویی

محوری به سبک مقابله مساله مدار، معنی‌دار و مقابله مساله مدار با صمیمیت زناشویی رابطه معنی‌داری دارند، می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های مقابله اثر میانجیگری جزئی دارند و ابعاد خود

جدول ۵ نشان می‌دهد که تنها بعد دل‌بستگی ناایمن و خود محوری روابط موضوعی، رابطه معنی‌داری با مقابله مساله مدار دارند. مطابق با الگوریتم بارون - کنی، از آن‌جا که مسیر دل‌بستگی ناایمن و خود

برای آزمون تاثیر روابط موضوعی بر صمیمیت زناشویی از مدل زیر استفاده شد :

محوری و دل‌بستگی نایمن به طور غیرمستقیم بر صمیمیت زناشویی اثر می‌گذارند. روابط موضوعی ۱/۷ درصد، مقابله مساله مدار ۳/۵ درصد و مقابله هیجان مدار ۱/۳ درصد واریانس صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کنند.



شکل ۳. مدل مسیر پیش‌بینی صمیمیت زناشویی براساس روابط موضوعی

جدول ۶. شاخص‌های برازش مدل تحلیل مسیر پیش‌بینی الگوهای ارتباطی براساس روابط موضوعی

AIC	RMSEA	NFI	CFI	GFI	X ² /df	شاخص‌های برازش
۶۰/۲۷۴	۰/۰۶۲	۰/۸۴۴	۰/۸۹۷	۰/۹۸۱	۲/۳۸۹	مدل اثرات کل
۶۱/۹۹۹	۰/۱۳۹	۰/۹۵۳	۰/۹۵۳	۰/۹۹۴	۷/۹۹۹	مدل اثرات میانجی
۵۷/۷۴۷	۰/۰۶۱	۰/۹۳۰	۰/۹۵۴	۰/۹۹۱	۲/۳۴۹	مدل اثرات غیرمستقیم

می‌دهد که مدل اثرات غیرمستقیم تقریباً مقتصدتر از مدل‌های دیگر است.

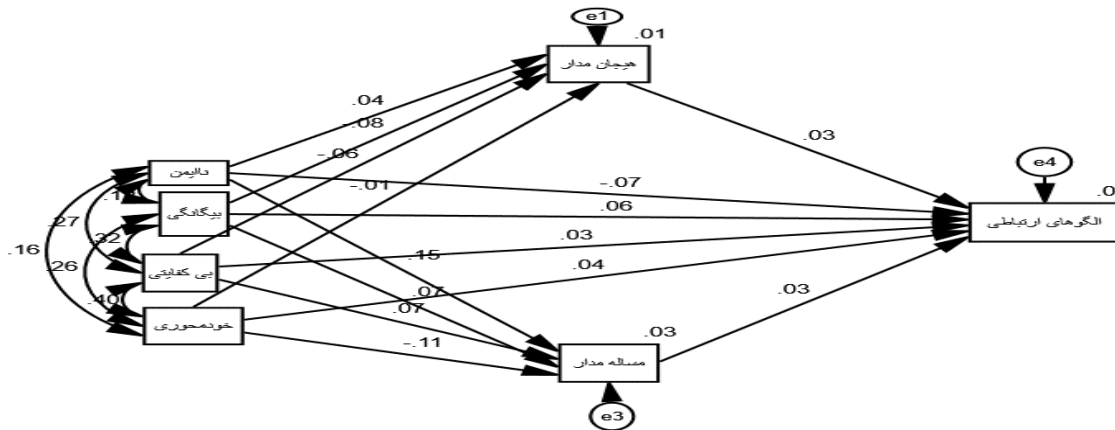
جدول ۶ نشان می‌دهد که شاخص‌های برازش مدل اثرات غیرمستقیم بهتر از مدل‌های دیگر است. شاخص آکائیک (AIC) نیز نشان

جدول ۷. نتایج تحلیل مسیر ارتباط مستقیم روابط موضوعی با الگوی ارتباطی

C.R	S. E	B	b	متغیرها
۰/۶۶۴	۰/۲۴۵	۰/۰۳۶	۰/۱۶۳	دل‌بستگی نایمن ← هیجان مدار
-۱/۴۹۴	۰/۲۵۴	-۰/۰۸۳	-۰/۳۵۷	بیگانگی ← هیجان مدار
-۰/۸۹۴	۰/۲۴۶	-۰/۰۵۶	-۰/۲۳۶	بی کفایتی اجتماعی ← هیجان مدار
-۰/۱۱۸	۰/۲۵۲	-۰/۰۰۷	-۰/۰۳۰	خودمحوری ← هیجان مدار
** -۲/۸۵۸	۰/۲۴۴	-۰/۱۵۴	-۰/۶۹۷	دل‌بستگی نایمن ← مساله مدار
۱/۱۹۳	۰/۲۵۲	۰/۰۶۶	۰/۳۰۱	بیگانگی ← مساله مدار
۱/۲۰۶	۰/۲۵۰	۰/۰۷۲	۰/۳۰۱	بی کفایتی اجتماعی ← مساله مدار
* -۱/۸۶۶	۰/۲۵۱	-۰/۱۰۷	-۰/۴۶۸	خودمحوری ← مساله مدار
۱/۲۲۷	۰/۲۵۱	۰/۰۶۷	۰/۳۰۸	دل‌بستگی نایمن ← صمیمیت زناشویی
۰/۲۲۷	۰/۲۵۸	-۰/۰۱۳	۰/۰۵۹	بیگانگی ← صمیمیت زناشویی
۱/۱۱۵	۰/۲۵۵	۰/۰۶۷	۰/۲۸۴	بی کفایتی اجتماعی ← صمیمیت زناشویی
-۰/۱۰۸	۰/۲۵۶	-۰/۰۰۶	-۰/۰۲۸	خودمحوری ← صمیمیت زناشویی
۰/۷۵۳	۰/۰۵۳	۰/۰۴۰	۰/۰۴۰	هیجان مدار ← صمیمیت زناشویی

که سبک‌های مقابله اثر میانجی‌گری جزئی دارند و ابعاد خود محوری و دل‌بستگی ناایمن به طور مستقیم و غیرمستقیم بر صمیمیت زناشویی اثر می‌گذارند. روابط موضوعی ۱/۷ درصد، مقابله مساله مدار ۳/۵ درصد و مقابله هیجان مدار ۱/۳ درصد واریانس صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کنند.

جدول ۷ نشان می‌دهد که تنها بعد دل‌بستگی ناایمن و خود محوری روابط موضوعی، رابطه معنی‌داری با مقابله مساله مدار دارند. مطابق با الگوریتم بارون-کنی، از آنجا که مسیر دل‌بستگی ناایمن و خود محوری به سبک مقابله مساله مدار، معنی‌دار و مقابله مساله مدار با صمیمیت زناشویی رابطه معنی‌داری دارند، می‌توان نتیجه گرفت



شکل ۴ مدل مسیر پیش‌بینی الگوهای ارتباطی براساس روابط موضوعی

۶/۷۲۰؛ در صمیمیت زناشویی کل ۹۲/۱۹ و ۷/۰۴۱؛ در بعد دل‌بستگی ناایمن روابط موضوعی ۷/۸۰ و ۱/۴۷۷؛ در بیگانگی ۷/۸۰ و ۱/۴۷۷؛ در بی‌کفایتی اجتماعی ۶/۹۶ و ۱/۶۰۴ و در خود محوری ۱۳/۹۵ و ۱/۵۴۸ است. در بعد دل‌بستگی دوسوگرا ۱۹/۵۸ و ۳/۴۵۶؛ در بعد اجتنابی ۱۹/۶۸ و ۳/۳۹۲ و در بعد ناایمن ۱۹/۹۷ و ۳/۱۹۱ است. در بعد سازنده متقابل الگوهای ارتباطی ۲۲/۳۲ و ۳/۴۶۹؛ در بعد اجتناب متقابل ۹۰/۰۶۶ و ۷/۷۸۹ و در بعد توقع / کناره‌گیری ۶۱/۵۱ و ۷/۶۵۰ بود.

نتایج تحلیل نشان داد که دل‌بستگی دوسوگرا و ناایمن رابطه معنی‌داری با مقابله هیجان مدار و سبک دل‌بستگی ناایمن رابطه مستقیم معنی‌داری با سبک مقابله مساله مدار دارند. همچنین، دل‌بستگی ناایمن رابطه معنی‌داری با صمیمیت زناشویی دارد. طبق الگوریتم بارون-کنی، از آنجا که مسیر سبک‌های مقابله به صمیمیت زناشویی معنی‌دار است، می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های مقابله نقش میانجی‌گری جزئی دارند. کل مدل ۲/۲ درصد صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کنند. مقابله مساله مدار ۲/۴ درصد و مقابله هیجان مدار ۴/۵ درصد صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کنند.

امروزه خانواده به عنوان یک نظام اجتماعی تعریف می‌شود که دست کم سه نسل را در برگیرد. همچنین در این زیست بوم، افراد از طریق علائق و دل‌بستگی‌های هیجانی نیرومند، دیرپا و متقابل با یکدیگر پیوند خورده‌اند. به همین جهت، خانواده به عنوان یکی از بنیادی‌ترین خورده‌اند نهادهای اجتماعی با برقراری و ایجاد رابطه زناشویی به وجود آمده و هسته اصلی جامعه را شکل می‌دهد؛ به طوریکه خانواده و جامعه سالم وابسته به روابط زناشویی رضایت بخش است. از این رو، اهمیت و شناخت

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مدل‌یابی صمیمیت زناشویی بر اساس سبک‌های دل‌بستگی و روابط موضوعی با میانجی‌گری سبک‌های مقابله‌ای دانشجویان در حال تحصیل و متأهل دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران انجام شد، طرح پژوهش به صورت از نوع توصیفی-پیمایشی-همبستگی بود که در آن تعداد نفر ۳۸۵ نفر بر اساس فرمول کوکران انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های مقیاس صمیمیت توسط واکر و تامپسون، پرسشنامه سبک دل‌بستگی کولینز و رید، پرسشنامه روابط موضوعی بل و پرسشنامه سبک مقابله‌ای لازاروس پاسخ دادند و تحلیل مقدماتی متغیرهای سبک‌های دل‌بستگی، سبک‌های مقابله، روابط موضوعی و صمیمیت زناشویی با استفاده از شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و بعد آماده سازی و غربال کردن داده‌ها بررسی شدند. در این مرحله مفروضه‌های اصلی مدل یابی تحلیل مسیر شامل مقادیر گم شده، نرمال بودن، خطی بودن، هم خطی بودن مورد بررسی قرار گرفت. در بخش دوم مدل‌های اندازه‌گیری و مدل یابی معادلات ساختاری همزمان انجام شدند. از آنجا که این آزمون‌ها در پژوهش‌های متعدد روائی و پایائی مناسبی را نشان داده‌اند و از طرف دیگر به منظور محاسبه اثرات دو به دوی مستقیم و جزئی متغیرها، برای مدل یابی از روش تحلیل مسیر با متغیرهای مشاهده شده استفاده شد. اثرات میانجی‌گری سبک‌های مقابله به تفکیک سبک مقابله هیجان مدار و مساله مدار به طور جداگانه انجام و از طریق الگوریتم بارون-کنی آزمون شدند. محاسبات با استفاده از نرم افزار AMOS و SPSS نسخه ۲۶ انجام شدند. شاخص‌های توصیفی نمرات گروه در متغیرهای پژوهش نشان داد، میانگین و انحراف معیار نمرات گروه در مقابله مساله مدار به ترتیب برابر با ۵۶/۶۶ و ۶/۹۸۷؛ در مقابله هیجان مدار ۶۶/۶۷ و

و بررسی عواملی که سبب قوام و استحکام این نهاد اجتماعی می‌گردند، می‌تواند گامی مفید در راستای ارتقای سطح فرهنگ جامعه باشد. یکی از مهمترین عواملی که بر بقاء، دوام و رشد خانواده اثر می‌گذارد، روابط سالم و مبتنی بر سازگاری و تفاهم بین اعضاء، به خصوص زن و شوهر است. صمیمیت زناشویی، زیربنای عملکرد خوب خانواده است و باعث رشد شایستگی و توانایی سازگاری و انطباق در بین اعضای خانواده میشود. صمیمیت زناشویی به عنوان یکی از مهمترین شاخصه‌های تعیین عملکرد خانواده، به حالتی اطلاق می‌شود که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند (۲۳). در این راستا تعدادی از پژوهشگران صمیمیت زناشویی را احساس عینی خشنودی، رضایت، لذت زن و شوهر از تمامی روابط، انطباق بین همسران و عده دیگری صمیمیت زناشویی از یک رابطه را ارزیابی ذهنی فرد از آن رابطه و سازگاری درونی و بیرونی زن و مرد می‌دانند، به طوری که در موقعیت های مختلف زندگی تفاهمی دوجانبه بین آنها به وجود آید.

سبک دل‌بستگی یکی از عوامل شخصی است که بر همسازی و ناهمسازی زناشویی تأثیر می‌گذارد و به همین دلیل تحقیقات بسیاری درباره آن انجام شده است. بررسی‌های قبلی رضایت‌مندی زناشویی به طور کامل نشان می‌دهند که وضعیت جنسی افراد، پیش‌بینی رضایت‌مندی نمی‌باشند (۸).

نتایج تحلیل نشان داد که سبک دل‌بستگی دو سوگرا و ایمن رابطه مستقیم معنی‌داری با مقابله هیجان مدار و سبک دل‌بستگی دوسوگرا رابطه مستقیم معنی‌داری با سبک مقابله مساله مدار دارند. از طرف دیگر، سبک دل‌بستگی اجتنابی نیز رابطه مستقیم معنی‌داری با الگوهای ارتباطی دارد. از آنجا که مسیرهای میانجی (هیجان مدار و مساله مدار) به الگوهای ارتباطی معنی‌دار نیست، مطابق با الگوریتم بارون-کنی سبک‌های مقابله اثر مستقیم دارند و رابطه میان سبک‌های دل‌بستگی با الگوهای ارتباطی را میانجی‌گری نمی‌کنند.

شاخص‌های برازش مدل تحلیل مسیر پیش‌بینی صمیمیت زناشویی براساس روابط موضوعی نشان داد که شاخص‌های برازش مدل اثرات غیرمستقیم بهتر از مدل‌های دیگر است. شاخص آکائیک (AIC) نیز نشان می‌دهد که مدل اثرات غیرمستقیم تقریباً مقتصدتر از مدل‌های دیگر است.

انسان به عنوان یک موجود اجتماعی و به واسطه قرار داشتن در یک محیط اجتماعی در ارتباطات تعاملی شامل (روابط دوستی، عشقی و خانوادگی) شرکت دارد. در این میان، خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه یکی از عناصر اصلی جامعه محسوب می‌گردد و دستیابی به یک جامعه امن مستلزم داشتن خانواده‌های امن است. یک خانواده سالم اعضایی را شامل میشود که از سلامت روانی و روابط مطلوب با یکدیگر برخوردار هستند. بنابراین سلامت اعضای خانواده و روابط آنها تأثیرات مثبتی بر جامعه خواهد داشت (۲۴).

در بی‌انحلال روابط پیشین، روابط جدید نیز بر حسب الگوی دل‌بستگی فرد متفاوت است. اجتناب‌گراها پس از انحلال یک رابطه کمتر از دوسوگراها مضطرب و مستأصل می‌شوند (۲۵). گروه اخیر به سرعت به برقراری روابط جدید اقدام می‌کنند دل‌بستگی ایمن با سازگاری منعطف و مناسب تجارب هیجانی و تحمل حوادث استرس‌آمیز بدون درماندگی در

برابر آنها همراه است و افرادی که سبک دل‌بسته نایمن هستند، کارکرد زناشویی ضعیف ارتباط و حل مسئله ضعیف، انعطاف‌پذیری و اعتماد متقابل پائین دارند. و در موقعیتهای اضطراب‌زا در جستجوی حمایت، ضعیف عمل می‌کنند و سبک دل‌بستگی نایمن با عزت نفس پائین ارتباط دارد. این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های قبلی مبنی بر اینکه سبک دل‌بستگی دو سوگرا و ایمن رابطه مستقیم معنی‌داری با مقابله هیجان مدار دارند یافت شد (۲۶) با این تفاوت که پژوهش‌های قبلی بر روی زنان و مردان کارمند انجام شده بود.

نتایج تحلیل نشان داد که تنها بعد دل‌بستگی نایمن و خودمحوری روابط موضوعی رابطه معنی‌داری با مقابله مساله مدار دارند. مطابق با الگوریتم بارون-کنی، از آنجا که مسیر دل‌بستگی نایمن و خود محوری به سبک مقابله مساله مدار، معنی‌دار و مقابله مساله مدار با صمیمیت زناشویی رابطه معنی‌داری دارند، می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های مقابله اثر میانجیگری جزئی دارند و ابعاد خود محوری و دل‌بستگی نایمن به طور غیرمستقیم بر صمیمیت زناشویی اثر می‌گذارند. روابط موضوعی ۱/۷ درصد، مقابله مساله مدار ۳/۵ درصد و مقابله هیجان مدار ۱/۳ درصد واریانس صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کنند.

شاخص‌های برازش مدل تحلیل مسیر پیش‌بینی الگوهای ارتباطی براساس روابط موضوعی نشان داد که شاخص‌های برازش مدل اثرات غیرمستقیم بهتر از مدل‌های دیگر است. شاخص آکائیک (AIC) نیز نشان می‌دهد که مدل اثرات غیرمستقیم تقریباً مقتصدتر از مدل‌های دیگر است.

هیچ نظام دیگری از این محدوده‌ها و مرزهای مشخص و رسوخ ناپذیر برخوردار نیست. یک سازمان تجاری می‌تواند کارمند خاصی را که از نحوه کار کردن ایشان راضی نیست، بیرون کند، یا برعکس، امکان دارد اعضای سازمان در صورتی که ساخت یا ارزش‌های شرکت مزبور مورد علاقه‌ی آنها نباشد، ارتباط خود را با آن قطع کنند و برای همیشه از گروه مزبور جدا شوند. فشارهای حافظ عضویت در خانواده حتی در کسانی که قصد دارند از خانواده‌ی مبدأ فرسنگ‌ها جدا شوند، به ندرت مجال چنین کاری را می‌دهد (۲۷).

علاوه بر آن، بر خلاف اعضای متعلق به نظام‌های غیر خانوادگی که عمدتاً می‌توان در غیاب آنها عضو جدیدی را جایگزین ساخت، اعضای خانواده حاصل شبکه روابطی است که توسط اعضای آن به وجود آمده است. برای مثال، اگر یک والد خانواده را ترک کند یا آنکه بمیرد و شخص دیگری جای او را از لحاظ نقشی که داشته پر نماید، هر تلاشی که انجام دهد باز هم هرگز نمی‌تواند پیوند شخصی و عاطفی را که والدین مزبور با سایر اعضای خانواده داشته است، تماماً از میان ببرد و خودش جایگزین آن شود. اعضای خانواده در حین رشد به هويت اختصاصی و واحد خود دست می‌یابند، اما باز هم به گروه خانوادگی دل‌بستگی دارند و لذا هويت یا تصور جمعی خاص خود را حفظ خواهند کرد. این اعضا در انزوا زندگی نمی‌کنند، بلکه به یکدیگر وابسته‌اند آن هم نه فقط به خاطر پول، غذا و سرپناه بلکه به خاطر نیاز به عشق، محبت، همکاری و همیاری، جامعه‌پذیری و سایر نیازهای غیر ملموس. این افراد برای دستیابی به کارکرد موفق باید خود را با نیازها و خواست‌های متغیر سایر اعضا و همچنین انتظارات

with and without DCD: A window into perceptuo-motor dysfunction? " *Physiotherapy research international*, 9, 1-12.

6. Mohammadi Ganjeh, M. (1396). Examining the relationship model of marital conflicts and parenting styles of parents with fear of intimacy mediated by attachment styles. Master Thesis, Shahid Chamran University of Ahvaz, Faculty of Educational Sciences and Psychology.

7. Karimzadeh Negari, A. (1394). A study of sexual intimacy, physical affection, mindfulness and marital conflict as modulators of the relationship between attachment styles and marital quality of female students of Shahid Chamran University of Ahvaz. Master Thesis, Shahid Chamran University of Ahvaz, Faculty of Educational Sciences and Psychology.

8. Hosseini, S. R. (1397). Relationship between dimensions of marital commitment and online extramarital relationships based on emotional and sexual relationships of couples and attachment styles: Structural equation modeling. Master Thesis, Imam Khomeini International University, Faculty of Social Sciences.

9. Saavedra, M. C., Chapman, K. E., & Rogge, R. D. (2010). Clarifying links between attachment and relationship quality: Negative conflict and mindfulness as moderators. *Journal of Family Psychology*, 24, 380-390.

10. Wanic R, Kulik J. (2019). Toward an Understanding of Gender Differences in the Impact of Marital Conflict on Health. *Sex Roles*, 65 (5-6): 297-312.

11. Gullotta, R., Blau, I. (2017). *Intimate Violence in Families Newbury Park.*, CA: Sage Publication.

12. Sheldon, E., Keller, I., West, L. (2017). *Criminology*, Wadsworth, Cengage Learning.

13. Hazan, C., & Shaver, P. (2016). "Romantic Love Conceptualized As An

متغیر شبکه‌ی خویشاوندی بزرگ‌تر، محله و در نهایت جامعه منطبق سازند.

خانواده‌های برخوردار از کارکرد سالم، سوای بقای خود در قالب یک نظام، موجب شکوفایی توان بالقوه‌ی یک‌یک اعضای خود می‌گردند؛ یعنی به آن‌ها اجازه می‌دهند با اعتماد و اطمینان خاطر در پی کاوشگری و خودیابی برآیند. میان نظام خانوادگی «توانا» و «ناتوان» تفاوت وجود دارد. گروه اول می‌تواند میان نیازهای آن نظام در قالب یک واحد خانوادگی و علائق شخصی تمامی اعضای خود تعادل برقرار کند. خانواده‌های توانا شیوه‌هایی اتخاذ می‌کنند که نیازهای بعضاً متعارض اعضای خود را ارضا می‌سازند. ویژگی‌های خانواده‌های ناتوان عبارتند از کم‌کاری یا غلبه کردن بر سایر اعضای گروه، به طوری که منافع عده ای در نتیجه آن از میان می‌رود. این الگو غالباً در خانواده‌های ناستوار، انعطاف ناپذیر، یا آشفته و پر هرج و مرج دیده می‌شود. پژوهشی که یافته‌های پژوهش را تأیید یا رد کند یافت نشد و این از دلایل نوآوری این پژوهش بوده است.

این پژوهش مانند سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی داشت که عبارتند از: الف) محدودیت پژوهش گروه نمونه، که دانشجویان در حال تحصیل و متأهل دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران بود و همین مساله تعمیم داده‌ها به سایر دانشجویان را محدود می‌کند. ب) با توجه به بار مالی دانشگاه آزاد اسلامی بر بعد صمیمیت و دلبستگی، تعمیم نتایج این یافته‌ها به دانشجویان سایر واحدهای دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی با محدودیت‌هایی روبروست؛ لذا پیشنهاد می‌گردد: ۱) این پژوهش در سایر واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی و در شهرهای دیگر مورد بررسی قرار گیرد. ۲) به جای صمیمیت زناشویی بر روی صمیمیت دانشجویان نیز بررسی شود. ۳) مدل‌یابی صمیمیت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و روابط موضوعی با میانجیگری سبک‌های مقابله‌ای دانشجویان دختر و پسر با یکدیگر مقایسه شوند.

References

1. Jaberi, S. (1398). Determining the predictors of marital intimacy and developing a model for increasing intimacy based on its factors. Master Thesis, University of Isfahan, Faculty of Psychology and Educational Sciences.
2. Bagaroz, A. (2016). Characteristics of long – term first marriage, *Journal of mental health counseling*, 15, 445-460
3. Jaberi, S., Etemadi, A., Jazayeri, A. and Ahmadi, S. (1393). Investigating the relationship between individual factors and intimacy
4. Tehran Marriage, the First International Conference on Psychology and Behavioral Sciences.
5. Higgins, N., McCabe, M. (2016). Goal-directed upper limb movements by children

Attachment and Socialism in Adolescence, PhD Thesis, University of Tehran.

23. Agha Yousefi, Alireza (1380). The role of personality and coping strategies in depression and the application of coping therapy in personality and depression. Ph.D. dissertation in psychology. Supervisor: Parikh Prosecutor. Tarbiat Modares University.

24. Aslani, Kh., Abdollahi, N and Aman Elahi, A. (1396). Relationship between attachment style and marital commitment mediated by self-differentiation and guilt in married female students in Ahvaz. Consulting Research, Volume 16, Number 61, pp. 217-188.

25. Salahian, N. (1398). Investigating the relationship between thematic relationships and early maladaptive schemas on hegemony and moral relationships. Master Thesis, Payame Noor University, Sanandaj.

26. Abdoli Ghahi, H. (1395). Predicting marital intimacy based on early maladaptive schemas and attachment styles in married students of Tehran University of Law Enforcement Sciences. Master Thesis, Islamic Azad University, Ghods Branch, Faculty of Humanities.

27. Nouri, M. (1393). Investigating the relationship between attachment styles and family communication patterns with marital adjustment and couple intimacy. Master Thesis, Tehran University of Science and Culture, Faculty of Literature and Humanities.

28. Atai Fard, R. and Amiri, Sh. (1396). Causal model test of effective relationship between spouses and parent-child relationship for educating parents of elementary school students. Family and Research Quarterly, No. 30, pp. 37-7.

Attachment Process. Journal of Personality and Social Psychology, 511-524.

14. Seshti, T., Valentino, L. (2016). Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth ed. American Psychiatric Publishing.

15. Young, J.E. (2008). Young Schema Questionnaire – Short Form. New York: Schema Therapy Institute.

16. Narimani, Mohammad., Pourasmali, Abdullah., Mikaeli, Sahel and Hajiloo, Narges. (1398) The mediating role of couple communication patterns in the relationship between persistent vulnerabilities and marital burnout in divorced couples. Family Journal of Shahid Beheshti Research Institute, 11 (1), 52-61.

17. Bean, R. C. (2015). Romantic relationship quality and technological communication: Examining the role of attachment representations and rejection sensitivity. Thesis for Master of Science, Brigham: Utah State University.

18. Friendship of New Marbles, T. (2013). The relationship between attachment styles and intimacy and marital adjustment in cultural couples. Master Thesis, Islamic Azad University, Shahroud Unit, Faculty of Literature and Humanities.

19. Sanai, Baqir (1379). Family and marriage scales. Tehran: Besat Publishing.

20. Bahrami Khondabi, Fatemeh; Fatehizadeh, Maryam and Olia, Narges (2005), Construction and Determination of Validity and Reliability of Couples Intimacy Test, 8th Research Week, University of Isfahan.

21. Naderi Moghadam, Somayeh (1386). Determining the relationship between intimacy and duration of marriage in couples in Sari. B.Sc. Thesis in General Psychology, Payame Noor University, Behshahr.

22. Pakdaman, Shahla. (1380). Investigating the Relationship between